

متن پرسش

سلام استاد گرامی: روز معلم و عید فطر را خدمت شما تبریک می‌گویم. و خیلی ممنونم از راهنمایی هاتون. در مورد حقیقت دعا و سینما لطفاً بفرمایید. از آنجایی که حقیقت انسان طلب است. دعا که خود، داستان وجود است در قوس صعود، و حالات دعا که خود سفری است در عبور از اعتباریات و رسیدن به معرفت حقیقت، چگونه قصه‌ی انقلاب اسلامی را رقم زده است؟ دعا نحوه‌ی نگاه انسان را به بودنش تغییر می‌دهد و بودن در عین ربط به حضرت حق تجلی می‌کند. و این نکته، ظرائفی را در امکان فیلمنامه نویسی ایجاد می‌کند تا بتواند بر بنیان دعا‌های معصومین ساختاری از وجود بیابد. از طرفی فیلمنامه نویس که می‌خواهد بنیاد حضور انسان را در زندگی بیابد، می‌تواند نوع شخصیت پردازی را در نسبت با حضرت حق تعریف کند و صحنه‌های سینمایی را بر بنیان گام‌های دعا تطبیق دهد. برای مثال اینکه خطاکاران طلب بخشش دارند و اطاعت‌کنندگان طلب کمک و یا در مناجات‌های پانزده‌گانه، مناجات توبه‌کنندگان، شکرگزاران، اطاعت‌کنندگان، توسل‌کنندگان و ... هر کدام اشاره به صورت زندگی و بودن دارد که به همان نحوه از حضور و مناجات منجر می‌شود. و تمام شخصیت‌های داستان در موقعیتی که هستند نحوه‌ی ایی از بودن، در نسبت با حضرت حق را در خود دارند. در هر صورت اسرار دعا و سفری که برای خواننده رقم می‌زند قصه‌ی ایی است که انسان در طلب تجربه‌ی آن است. وقتی دعا در انسان محقق شود، قصه‌ی فطرت است که شدت می‌یابد و تجربه‌ی ایی از بودن رقم می‌خورد. و چقدر زیبا می‌توان داستان زندگی بشر عصر توبه و نیازش را در دعای توبه امام سجاد (ع) شاهد بود؛ از طرفی در همین دعا اشاره می‌شود؛ حکایات لسان، لحظات نگاه و خطورات قلب، محبت الهی را در انسان می‌تواند زایل کند. در بیان تصویر سینمایی و نوع وجودی آن اینگونه محبت الهی جایگاه می‌یابد. که توجه تصویرسازان را فرا می‌خواند. و این چنین دعای همیشگی امام خمینی «إِلَهِ هَبْ لِي كَمَالَ الْإِنْقِطَاعِ إِلَيْكَ»، و یا دعای همیشگی شهید سلیمانی «رَبِّ أَدْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِي مُخْرَجَ صِدْقٍ وَاجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا»، قصه‌ی بودن‌هایی که فراتر از بودن است به وسعت «هست» را رقم می‌زند. بر طبق فرمایش امیر المومنین، خدا کلید گنجینه‌های خود را با دعا در دست بنده‌اش قرار داده است، و این چنین نحوه‌ی حضور رزمنده‌ها و بسیجی‌ها در شب‌های حمله و دعا‌هایی که تحقق وجودی می‌یابند تجربه می‌شود. و اگر قصه‌ها خالی از دعاست، خالی از شخصیت‌های حقیقی است و خالی از سفر، بلکه به دور خود چرخیدن است. خیلی ممنون

متن پاسخ

سمه تعالی: سلام علیکم: آری! «اگر قصه‌ها خالی از دعاست، خالی از شخصیت‌های حقیقی است». و از آن مهم‌تر امیدواری رزمندگان و رهبر معظم انقلاب است که این روشن‌ترین شکل دعا در حرکات و گفتار آنها می‌باشد. زیرا به صحنه آمدن در عین امیدواری به مدد الهی، حکایت از روحی می‌کند که در عمل نیز در حال دعا می‌باشد و شخصیت‌های قصه با چنین روحیه‌هایی دنیایی از امید را مقابل انسان می‌کشایند، امیدی که حاصل از دعاها می‌باشد در تنهایی‌هایشان؛ و به گفته شما تجربه‌های رقم‌خورده در نیایش‌ها. بی‌حساب نیست که رهبر معظم انقلاب در سخنان اخیرشان با دانشجویان در رابطه با امید نسبت به آینده فرمودند: «البته بعضی از نسل‌های گذشته شما اینجا کم آوردند، در این مورد کم آوردند و دچار خطا شدند؛ یعنی آنجایی که نبایستی مأیوس بشوند، نباید ناامید بشوند، ناامید شدند، و این ناامیدی آنها را از میدان خارج کرد، و بعضی‌هایشان هم بدجوری خارج شدند! حالا بعضی‌ها فقط خارج شدند اما بعضی‌ها علاوه بر خارج شدن از میدان مبارزه انقلابی، هم صدای با دیگران هم شدند. خب پس این توصیه اول من: مواظب باشید به افق پشت نکنید، به قلّه پشت نکنید، همیشه به سمت قلّه و به سمت افق روشن حرکت کنید.»

دعا، حقیقتاً داستان وجود آدمی است تا با بیکرانه وجود خود در عین فقر ذاتی‌اش، به بیکرانه حضور حضرت حق در عین غنای ذاتی‌اش متصل گردد و ما در داستان و سینما نمی‌توانیم از این امر مهم غفلت کنیم. موفق باشید